

عنوان نشست: بازخوانی حق مالکیت و حق اقتصاد شفاف و رقابتی در منشور حقوق شهروندی

شناسنامه نشست	
واحد برگزار کننده نشست:	دانشکده حقوق و علوم سیاسی
مسئول نشست:	دکتر تهمورث بشیریه (عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی)
تاریخ برگزاری نشست:	۱۳۹۷
اعضای هیئت علمی:	دکتر ایرج بابایی، دکتر محمدهادی میرشمسی، دکتر مجتبی قاسمی (اعضای هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی)
نمایندگان دستگاه‌های اجرایی مرتبط:	دکتر جواد نوروزی و خانم مونس کشاورز (انجمن دانش گستر حقوق شهروندی)
مسئله محوری نشست:	ارتباط حق مالکیت فکری با اقتصاد شفاف و رقابتی در منشور حقوق شهروندی
سازمان‌های هدف توصیه سیاستی:	مجلس شورای اسلامی، قوه قضائیه، وزارت دادگستری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاونت حقوقی ریاست جمهوری، دستیار ویژه رئیس جمهور در امور حقوق شهروندی

چکیده مباحث طرح شده:

در این نشست تخصصی که با حضور صاحب‌نظران حوزه حقوق مالکیت و حقوق اقتصادی و فعالین عرصه حقوق شهروندی برگزار گردید، فصول (ژ) و (ش) منشور حقوق شهروندی تحت عناوین حق اقتصاد شفاف و رقابتی و حق مالکیت مورد بررسی قرار گرفت. همچنین موانع تحقق و اجرایی شدن مفاد منشور حقوق شهروندی در این خصوص، بررسی و راهکار برای رفع موانع، ارائه شد.

هدف از برگزاری نشست:

۱. تقویت و ترویج گفتمان حقوق شهروندی
۲. شناسایی مصادیق حقوق شهروندی در حوزه اقتصاد و مالکیت

۸۰ توصیه‌های سیاستی دانشگاه علامه طباطبائی به ...

۳. بازبینی قوانین حوزه حقوق اقتصادی و حقوق مالکیت و مالکیت فکری

۴. بازشناسی مشکلات و موانع اجرای مفاد منشور حقوق شهروندی در حوزه اقتصاد و مالکیت

خلاصه دیدگاه‌های مطروحه

سخنران اول:

حق اقتصاد شفاف و رقابتی، بستر ساز مالکیت فکری است. حقوق مالکیت فکری، مبنای ریشه اقتصادی دارد و توجیه مالکیت فکری و چرخش چرخ مالکیت فکری در بستر رقابت انجام می‌شود.

به نظر می‌رسد ماده ۷۶ منشور حقوق شهروندی به منظور انگیزه بخشی برای خلق آثار فکری و حمایت از آن در زمره یکی از مصادیق حقوق شهروندان طرح گردیده، ولی انگار قانون‌گذار نخواسته که خود را درگیر تبعات ناشی از تعریف این حقوق نماید، چرا که با عبارت «با رعایت قانون» در صدر ماده و با عبارت «در چارچوب قانون» ذیل ماده، زمینه تحقق مصادیق حقوق مالکیت فکری را از بین می‌برد.

در SECTION 8 قانون اساسی امریکا که محدوده اختیارات کنگره امریکا را بیان می‌کند، می‌گوید:

از اهداف کنگره است که فرایند تولید علم و فرایند هنرهای مفید را تشویق کند، اما از طریق اعطای حق انحصاری موقت. در اسناد بین‌المللی هم، از جمله اعلامیه حقوق بشر در کنار حق مالکیت که به‌طور عام شناخته شده، به حقوق مالکیت فکری هم اشاره شده است.

در کشور ما نیز، اولین قانون مالکیت فکری مربوط به سال ۱۳۰۴ است، یعنی حتی سه سال قبل از تصویب قانون مدنی و پرداختن به مباحثی همچون عقد و نکاح و قرارداد و طلاق که این سابقه، بیانگر رویکرد مثبت قانون‌گذار نسبت به حوزه مالکیت فکری می‌باشد. اما شرایط فعلی ما، بیانگر عقب‌افتادگی در حوزه مالکیت فکری است.

بایسته‌های تحقق حقوق مالکیت معنوی کدام است؟ اگر بخواهیم به استناد ماده ۷۶ منشور حقوق شهروندی، قانون مناسبی داشته باشیم که حقوق مالکیت فکری بتواند به‌عنوان حقوق شهروندی مطرح شود و اشخاص بتوانند صرف‌نظر از ملاک‌های فردی و تمایزاتشان، ذی‌حق باشند، قانون چگونه باید نوشته شود؟

به نظر می‌رسد باید دو اقدام صورت پذیرد:

۱. شناسایی حق.

۲. ابزار حمایتی مناسب.

جمله اول ماده ۷۶ منشور حقوق شهروندی که بیان می‌دارد: انواع مالکیت‌های فکری از جمله مالکیت ادبی، هنری و صنعتی با رعایت قانون، محترم و مورد حمایت است. در واقع، این جمله بحث شناسایی حق را مطرح می‌کند که بیایم برای کسانی که فعالیت خلاقانه دارند، برای کسانی که فعالیت ابدایی دارند و اثر ادبی، هنری یا صنعتی را خلق می‌کنند، حقوقی را در نظر بگیریم. باید آسیب‌ها و ضعف‌های قانون فعلی به‌منظور تبدیل قانون فعلی به قانونی نوین به‌منظور عادی‌سازی این حقوق، متعارف‌سازی این حقوق و این که حقوق مزبور را به‌عنوان حقی از حقوق شهروندی بشناسیم، بررسی شود.

درخصوص ابزار حمایتی مناسب هم باید گفت در قانون ثبت اختراعات و طرح‌های صنعتی و علائم تجاری در ماده ۶۱ این قانون، برای نقض حقوق مالکیت صنعتی، ضمانت اجرای کیفری در نظر گرفته شده که جزای نقدی و حبس را شامل می‌شود و تا زمانی که این ماده وجود دارد، نمی‌توان انتظار داشت که حقوق مالکیت فکری، جزء حقوق شهروندی شود و کالای ایرانی که شعار سال است، تولید شود.

سخنران دوم:

در فصل (ژ) منشور حقوق شهروندی، زمانی که صحبت از اقتصاد شفاف و رقابتی می‌شود، باید دید در کدام نظام اقتصادی، حقوق شهروندی بیشتر تضمین خواهد شد؟ اقتصاد دولتی یا اقتصاد آزاد؟

آنچه مسلم است حقوق شهروندی از مجرای اقتصاد دولتی نمی‌گذرد و راه اقتصاد بازار است که حقوق شهروندی را تضمین می‌کند. در نظام اقتصاد دولتی است که مصرف‌کننده تکریم نمی‌شود، چرا که مجبور به خرید است، چون قدرت انتخابی ندارد. پس تا زمانی که ساختار اقتصادی، اقتصاد دولتی است؛ نمی‌توان سخن از اقتصاد شفاف و رقابتی داشت.

سخنران سوم:

در حقوق، زمانی که از حق صحبت می‌شود، در مقابل، تکلیف هم وجود دارد. درخصوص اقتصاد شفاف و رقابتی، باید زمانی که این مهم، به عنوان حق مورد شناسایی قرار می‌گیرد، آیا شهروندان می‌توانند به استناد این ماده منشور، طرح دعوا کنند که امکان دسترسی به فرصت‌های اقتصادی برابر برای من فراهم نشده، لذا من از دولت شکایت دارم؟ اگر پاسخ، خیر است، این منشور در حد ایجاد یک آرمان‌شهر ذهنی، قابل حمایت است.

مشکل مهمی که در منشور حقوق شهروندی شاهد هستیم، این است که به عنوان آرمان، سند بالادستی مناسبی است، اما با ساختار موجود در تناقض است و عملیاتی نخواهد شد. در حقوق اقتصادی، دیدگاه‌های جالبی وجود دارد، من جمله این که می‌گویند: این نوشته‌ها و متون نیست که در حقوق اقتصادی مؤثر است، بلکه ساختارها هستند که مؤثر می‌باشند.

و یا اینکه:

رانت‌های اقتصادی، شاکله یک حکومت و دولت را شکل می‌دهد، یعنی هر زمان این رانت از بین برود، شاکله و امنیت یک حکومت از بین می‌رود. رانت حتی در کشورهای بسیار توسعه‌یافته نیز وجود دارد، ولیکن در آن کشورها شاهد رانت معقول هستیم. در کشوری که اقتصاد دولتی است، چگونه سخن از حق شهروندان برای بهره‌مندی از ثروت برابر می‌زنیم، درحالی که تمام ثروت نزد حاکمیت است؟! منشور حقوق شهروندی و این فصول بیشتر در حد یک گفتمان و آرمان مناسب است.

توصیه‌های سیاستی:

پیش‌بینی مصادیق جدید در حوزه مالکیت فکری به منظور شناسایی و بازتعریف این حقوق: مصادیق اولیه حقوق مالکیت فکری که به ذهن همه می‌رسد کتاب، مقاله، شعر، رمان، مجسمه، نرم‌افزار، اختراعات و طرح‌های صنعتی و مواردی از این قبیل است. حال آنکه امروزه به دلیل اتخاذ برخی سیاست‌های درست، کارآفرینی‌های جدید به وجود آمده است؛ مانند STANDUP‌های گوناگون که در زمره مالکیت‌های فکری است، درحالی‌که قوانین فعلی پاسخگو نیست، چراکه اصلاً این موارد در قانون، ذکر و پیش‌بینی نشده است. لذا شناسایی و احصای این موارد، ضروری می‌نماید.

۱. حمایت از اختراعات کوچک:

امروزه برخی اقدامات توسعه‌ای بر روی محصولات یا ایده‌هایی که در خارج از کشور اختراع شده انجام می‌شود، حال آن‌که این موارد طبق قوانین داخلی جزء اختراعات محسوب نمی‌شوند و قابل حمایت نیستند. این موارد هرچند اختراع جدیدی نیستند، اما به نوعی، اقدام توسعه‌ای می‌باشند. لذا می‌توان به منظور حمایت از مغزهای جوان و فارغ‌التحصیلان فنی نسبت به شناسایی این موارد به عنوان اختراع و حمایت از آنها اقدام نمود.

۲. تعیین تکلیف وضعیت الحاق ایران به کنوانسیون جهانی مالکیت معنوی:

درخصوص الحاق ایران به کنوانسیون‌های بین‌المللی در حوزه مالکیت فکری و به طور خاص COPYRIGHT اصلاً رویکردی در میان متولیان امر وجود ندارد و به صورت کارشناسی، بررسی صورت نگرفته است. لذا پیشنهاد می‌گردد با لحاظ منافع ملی و به دور از سهم خواهی‌های موردی، درخصوص الحاق یا عدم الحاق تصمیم‌گیری شود.

۳. تعیین تکلیف تصدی‌گری موضوع مالکیت فکری:

جایگاه حقوقی برای ورود وزارت دادگستری به مبحث مالکیت فکری محل تردید است و باید بررسی شود. چراکه به لحاظ ارتباط موضوعی، این مهم بیشتر در حوزه رسالت‌ها و دامنه فعالیت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است. در هر صورت باید به یک نظر جمعی رسید که

کدامیک از ریاست جمهوری، قوه قضائیه، وزارت دادگستری و یا وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، متولی اصلی موضوع باشد و سپس، نسبت به تعیین وظایف و جایگاه و ... اقدام نمود.

۴. پیش‌بینی دادگاه‌های ویژه برای رسیدگی به اختلافات و دعاوی مالکیت فکری:

ماده ۵۹ قانون ثبت اختراعات و طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۱ رسیدگی به این اختلافات را در صلاحیت دادگاه تهران قرار داده و رئیس قوه قضائیه، دادگاهی به‌عنوان دادگاه صالح تعیین کند. با این نقص، عملیاتی شدن حقوق مالکیت فکری و ماده ۷۶ منشور حقوق شهروندی مقدور نخواهد بود. لذا پیشنهاد می‌گردد به‌منظور حمایت از حوزه مالکیت فکری و کنشگران این عرصه نسبت به تعیین دادگاه ویژه اقدام گردد.